

شناسایی موانع ارتباط دانشکده‌های علوم ورزشی با مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری در

ایران

سمانه الماسی^۱ - حسین عیدی^{۲*} - همایون عباسی^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه رازی^۲ و^۳ استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه رازی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۱، تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۰۱/۲۹)

چکیده

حرکت دانشگاه‌های آموزش‌محور به سمت دانشگاه‌های کارآفرین، با ایده تجاری‌سازی دانش به شکل‌گیری مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری منجر شده است؛ اما آنچه مغفول مانده، جایگاه علوم ورزشی در این مراکز است. هدف تحقیق شناسایی موانع ارتباط دانشکده‌های علوم ورزشی با مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری است. روش تحقیق، کیفی است و گردآوری داده‌ها با مصاحبه و بررسی پیشینه تحقیق انجام گرفت. جامعه تحقیق را رؤسا و اعضای هیأت علمی علوم ورزشی کشور، رؤسای مراکز رشد و کارآفرینی دانشگاه‌های دارای دانشکده علوم ورزشی، رؤسای پارک‌های علم و فناوری و دیگر مسئولان مرتبط با تحقیق بودند. نمونه تحقیق به صورت نظری تعیین و پس از انجام ۱۹ مصاحبه موانع ارتباط بین دانشکده‌های علوم ورزشی با مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری شناسایی شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که ۸ مقوله اصلی تحت عناوین ضعف ساختاری، ضعف هنجاری، ضعف امکانات، ضعف آموزشی، عدم درک ظرفیت‌های کارآفرینانه در ورزش (ضعف حمایتی)، دست‌کم گرفتن ایده‌های دانشجویان علوم ورزشی، بی‌توجهی به منابع فرصت و ضعف روانی-نگرشی دانشجویان علوم ورزشی در راستای شناسایی موانع ارتباط بین دانشکده‌های علوم ورزشی با مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری به دست آمد که هر کدام به زیرمجموعه‌های دیگری تقسیم می‌شوند. از این رو به رؤسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم ورزشی پیشنهاد می‌شود با بررسی این موانع، برنامه راهبردی به منظور رفع آنها را در دستور کار خود قرار دهند تا شاهد شکوفایی ایده و نوآوری‌های دانشجویان رشته علوم ورزشی و ایجاد اشتغال برای آنان باشیم و بتوانیم از قابلیت‌های بی‌شمار این رشته تحصیلی در جهت رفع نیازهای جامعه استفاده کنیم.

واژه‌های کلیدی

پارک علم و فناوری، دانشکده‌های علوم ورزشی، مراکز رشد.

مقدمه

سرمایه‌گذاران بیرونی و مشاوران حرفه‌ای، به دوام و رشد، شرکت‌های زایشی و شرکت‌های کوچک جدیدی که در دل آن شکل می‌گیرند، کمک می‌کنند (۹). مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری به‌عنوان مراکزی در داخل یا خارج مجتمع دانشگاهی برای حمایت منابع و مکان‌یابی شرکت‌های دانش‌بنیان و شرکت‌های زایشی هستند (۱۰) و حلقه‌های واسطه بین سه نهاد دولت، دانشگاه و صنعت‌اند (۱۱). پارک علم و فناوری سازمانی است که توسط متخصصان حرفه‌ای که هدف اصلی‌شان افزایش ثروت در جامعه از طریق ترویج فرهنگ نوآوری و رقابت کسب‌وکار مرتبط با آن و مؤسسات مبتنی بر دانش است، اداره می‌شود (۱۲). این پارک‌ها سازوکارهای زیرساختی مهمی‌اند که سبب انتقال یافته‌های تحقیقات دانشگاهی و تولید دانش مضاعف شده و در نهایت عامل تسریع رشد اقتصادی در سطح ملی و منطقه‌ای می‌شوند. این مهم به‌صورت گسترده‌ای در کشورهای مختلف دنیا به‌عنوان یک اصل به رسمیت شناخته شده است (۱۳). تأثیر مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری بر اشتغال‌آفرینی و خلق ثروت و نیز پایگاهی که برای دانش‌آموختگان و دانشجویان به‌منظور تبدیل ایده‌هایشان به محصول دارند، سبب شباهت بیشتر این دو مکان شده است (۷). در این زمینه تحقیقات نشان می‌دهد دانشگاه‌ها نقش کلیدی در موفقیت مراکز رشد دارند. برای مثال دانشگاه‌ها از مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری به‌عنوان وسیله‌ای به‌منظور ایجاد استارت‌آپ‌ها یا کسب‌وکارهای برتر استفاده می‌کنند (۱۴). اما آنچه دانشگاه از آن مغفول مانده است، حضور کم‌رنگ علوم انسانی در این مراکز است. به نظر حضور علوم نانو، بیو و فنی در مراکز رشد و شرکت‌های زایشی شایان توجه است، اما علوم شناختی و علوم انسانی که با موضوع خرد جامعه در ارتباط بوده و بستر مناسب برای رشد و توسعه سایر علوم است، در

امروزه در بسیاری از جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه، توجه ویژه‌ای به نقش دانشگاه‌ها در فعالیت‌های اقتصادی جامعه می‌شود (۱) و سیاستگذاران پژوهشی تلاش دارند که هرچه بیشتر دانش و فناوری تولیدشده توسط دانشگاه‌ها را در بخش صنعتی به‌کار گیرند و با این سیاست دانش نظری را به دانش عملی تبدیل کنند (۲). همین مسئله سبب شده است دانشگاه‌ها دارای نقش‌های مضاعف تجاری‌سازی دانش و مشارکت فعال در توسعه شرکت‌های خصوصی در اقتصاد محلی و منطقه‌ای شوند (۳). دانشگاه‌ها را می‌توان براساس رویکردها و ساختارهای اجرایی متناظر با رویکردهای مزبور، با یکی از سه ویژگی نسل اول (آموزش‌محور)، نسل دوم (پژوهش‌محور) و نسل سوم یا پیشرو (نوآور، فناور و کارآفرین) توصیف کرد (۴). در سال‌های اخیر، موج سوم انتقال دانش آکادمیک در اقتصادهای نوظهور اروپای شرقی، آسیا و جنوب آمریکا به را افتاده و طی آن کارآفرینی دانشگاهی و ایجاد دانشگاه‌های کارآفرین در دستور کار سیاسی قرار داده شده است، که نتیجه آن توسعه اجتماعی و اقتصادی است (۵). دانشگاه کارآفرین در حال حاضر توسط کارشناسان به‌عنوان هدایتگر اصلی توسعه خود و نوآوری و به‌عنوان پاسخی مناسب برای موفقیت در بازارهای بسیار آشفته و پیش‌بینی‌ناپذیر به رسمیت شناخته شده است (۶). در این میان پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد در سراسر جهان به‌منظور توسعه اقتصادی ایجاد شده‌اند و وسیله‌ای مهم برای ارتباط بین دانشگاه و صنعت هستند (۷). هدف پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد انتقال دانش از دانشگاه‌ها به صنایع، از طریق ایجاد مؤسسه‌های تحقیق و توسعه^۱ یا شرکت‌های زایشی^۲ به‌منظور تبدیل دانش به فناوری است (۸). مراکز رشد، با تأمین تسهیلات سازمان‌یافته در کسب‌وکار، جذب

نبود اعتماد بین کارآفرینان در انتقال ایده‌ها به یکدیگر و روی آوردن دانشگاه‌ها به آموزش محض از جمله موانع توسعه شرکت‌های زایشی در دانشگاه‌هاست (۱۹). دلامارکو و همکاران (۲۰۱۸) نیز بیان می‌دارند به‌منظور داشتن دانشگاه کارآفرین وجود ۵ آیتیم زیر ضروری است: ۱. ایجاد دیدگاه کارآفرینانه در دانشگاه از طریق سخنرانی در همه دانشکده‌ها، معرفی چگونگی شناسایی بازارهای جدید و فرصت‌های تکنولوژی به دانشجویان و برگزاری کلاس‌های کارآفرینی برای دانشجویان به‌منظور حضور در مراکز رشد؛ ۲. برقراری ارتباط دانشگاه با صنایع محلی به‌منظور ایجاد ارتباط بین تحقیقات علمی با صنعت؛ ۳. ارائه مکان و تجهیزات آزمایشگاهی به دانشجویانی که دارای ایده هستند؛ ۴. مقدمات نوآوری، به معنی ایجاد زیرساخت‌های پشتیبانی از نوآوری همچون مراکز رشد، پارک‌های علم و فناوری و دفاتر انتقال فناوری در دانشگاه؛ ۵. تحقیقات گروهی دانشجویان به‌همراه استادان برجسته به‌منظور بالا بردن کیفیت تحقیقات علمی (۵). سیدرات و فریکا^۲ (۲۰۱۸) هم بیان کردند کیفیت مدیریت و انواع دانشگاه بر توسعه کارآفرینی در دانشگاه تأثیر دارد. در واقع تأثیر مدیریت به‌واسطه تشویق دانشجویان به کارآفرینی، هدایت دانشجویان به انجام پروژه‌های تیمی در مراکز رشد دانشگاه، حضور فعال مدیر به‌عنوان عضو دارای تجربه در تیم‌های کاری، سخنگوی تیم بودن در محافل عمومی، است و نشان دادند نوع رشته‌های تحصیلی در دانشگاه بر میزان کارآفرینی دانشگاه تأثیرگذار است. در این زمینه دانشگاهی که دارای علوم اقتصاد، مدیریت، علوم فنی و کامپیوتر است، کارآفرینی بیشتری نسبت به دانشگاهی با رشته‌هایی همچون زبان، علوم انسانی و هنر خواهد داشت (۲۰). سپرر^۳ و همکاران (۲۰۱۶) نیز نشان دادند که به‌منظور توسعه

این شرکت‌ها چندان مورد توجه قرار نگرفته است (۱۵). علوم ورزشی به‌عنوان یکی از رشته‌های علوم انسانی تاکنون جایگاه خود را در مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری به‌دست نیاورده است. این در حالی است که به‌گفته شجاع و معرفتی (۱۳۸۵) علوم ورزشی همانند سایر علوم، مرزهای غیرقابل تصور پیشرفت و فناوری را طی کرده و این امر تمامی زیرساخت‌های بنیادین ورزش، از جمله تجارت، اقتصاد، سیاست و هر آنچه را که مرتبط با ورزش است، تحت تأثیر قرار داده است (۱۶). از طرفی تحقیقات نشان می‌دهند وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی نیز همانند سایر رشته‌های تحصیلی در کشور، با چالش‌های فراوانی مواجه است. در این مورد برومند و همکاران (۱۳۹۲) در تجزیه و تحلیل وضعیت (عوامل درونی و بیرونی) اشتغال دانش‌آموختگان تربیت بدنی و علوم ورزشی کشور دریافتند که اشتغال دانش‌آموختگان این رشته از نظر عوامل داخلی و خارجی وضعیت مناسبی ندارد و با وجود ضعف‌های داخلی، با تهدیدهای متعدد خارجی نیز مواجه است که در ماتریس ارزیابی جایگاه، در بدترین وضعیت یعنی در موقعیت تدافعی (WT) قرار دارد (۱۷). این در حالی است که زمینه‌های شغلی فراوانی در صنعت ورزش وجود دارد. از آنجا که دانشگاه‌ها به‌عنوان متولیان اصلی تربیت و پرورش منابع انسانی متخصص در جامعه، نقش اساسی دارند، توجه به مقوله کارآفرینی دانشگاهی به توسعه بهتر این مسئله کمک می‌کند (۱۸). گوموسای و بوهن^۱ (۲۰۱۸) بیان می‌کنند، عوامل مهارکننده‌های ارتباطی، ساختاری و فرهنگی - شناختی مانع توسعه تبدیل ایده به محصول در دانشگاه‌ها می‌شوند. همچنین بیان می‌کنند در واقع نبود ارتباط بین کارآفرینان با تجربه و فاصله کارآفرینان از یکدیگر، عدم ادغام درس و حرفه با هم،

3. Sperrer

1. Gümüşay & Bohné

2. Sidrat & Frikha

کارآفرینی در دانشگاه نیاز است بخش بزرگی از راهبرد دانشگاه، بدان بپردازد و حمایت مالی برای توسعه کارآفرینی در دانشگاه در نظر گرفته شود. همچنین میزان توسعه کارآفرینی در دانشگاه باید به‌طور منظم اندازه‌گیری و بازخورد لازم در این زمینه فراهم شود (۶). هانون (۲۰۱۳) نیز در خصوص اهمیت کارآفرینی در دانشگاه‌ها بیان می‌کند عدم درک اهمیت کارآفرینی در دانشگاه، نداشتن دیدگاه مشترک در خصوص ایجاد نهادی در راستای توسعه کارآفرینی در دانشگاه، نبود آموزش کارآفرینی و گرایش‌های سرمایه‌داری در دانشگاه، نبود آموزش‌های آکادمیک در خصوص آموزش ریسک‌پذیری، نبود ارتباط قوی بین دانشگاه و صنعت به‌جای تأکید صرف بر آموزش و یادگیری تئوری، و نبود نهادی در داخل یا خارج دانشگاه به‌منظور پشتیبانی از کارآفرینی در دانشگاه، از جمله موانع توسعه کارآفرینی در دانشگاه است (۲۱). درحالی‌که آژانس تضمین کیفیت آموزش عالی انگلستان (۲۰۱۲) راه تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین را نشان می‌دهد و بیان می‌دارد یک دانشگاه برای تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین به مواردی همچون ایجاد آکادمی اشتغال و گروه کارآفرینی در دانشگاه، ایجاد مرکز کارآفرینی به‌منظور ایجاد فرهنگ کارآفرینی و هدایت آن در دانشگاه، برگزاری دوره‌های کارآفرینی در دانشگاه و آشنایی با فرصت‌های کارآفرینانه، استخدام کارآفرینان برتر به‌عنوان هدایت‌گران مراکز کارآفرینی در دانشگاه، ایجاد صفحات وب اختصاصی به‌منظور هماهنگ کردن همه فرصت‌ها و فعالیت‌های دانشگاه و ارائه رویکردهای منسجم برای کارآفرینی در دانشگاه، تشویق دانشجویان به تشکیل تیم‌های دانشجویی به‌منظور کار روی پروژه مشترک، حمایت از ایده‌ها و نوآوری دانشجویان از طریق ایجاد شرکت‌های زایشی، ایجاد تعهد سازمانی در تمامی بخش‌های دانشگاه برای حرکت به‌سوی

کارآفرینی شدن دانشگاه نیازمند است (۲۲). وطن‌خواه و رضائی مقدم (۱۳۹۴) در پژوهشی در خصوص مؤلفه‌ها و موانع ایجاد دانشکده کارآفرین از دیدگاه دانشجویان دانشکده کشاورزی بیان می‌کنند سه عامل ایجاد فرصت‌ها، کارآفرینانه بودن اعضای هیأت علمی و کارآفرینانه بودن فرهنگ دانشکده به‌ترتیب سه مؤلفه بااهمیت در ایجاد دانشکده کارآفرین است. همچنین موانع و مشکلات موجود در زمینه ایجاد دانشکده کارآفرین به عواملی همچون اقتصاد، آموزش، حمایت، کنار گذاشتن نظام آموزش سنتی و عامل روانی-نگرشی وابسته است (۲۳). داوودی و همکاران (۱۳۹۰) هم بیان داشتند عوامل ساختاری (فقدان زیرساخت‌ها)، مالی، ریسک‌پذیری، مالکیت فکری (ضعف در قوانین صیانت از مالکیت فکری در کشور)، انسانی (نبود نیروی انسانی متخصص در علوم میان‌رشته‌ای)، شناختی (شتاب‌زدگی در ایجاد مراکز پژوهشی و دولتی بودن همه آنها؛ عدم شناخت از پارک‌های باکیفیت خدمت‌رسانی با کشورهای دیگر) و نگرشی (بی‌اعتنایی به کارآفرینی و کم‌اعتقادی برخی مدیران به ارزش توسعه فناوری) از جمله موانع توسعه فناوری‌های کشاورزی در پارک علم و فناوری دانشگاه تهران است (۲۴). با مطالعه نظری تعیین شد چارچوب دولتی معینی برای توسعه مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری در حوزه ورزش در کشور ایران تدوین نشده است؛ توسعه ورزش در این مکان‌ها می‌تواند بخشی از راهبرد توسعه اقتصادی کشور باشد که ضمن ایجاد اشتغال برای دانشجویان رشته علوم ورزشی سبب درآمدزایی برای دانشگاه و دانشکده‌های علوم ورزشی شود. در واقع مشاغل به‌وجودآمده در ورزش و فرصت‌های شغلی موجود در آن، این پدیده اجتماعی را به‌ی‌خاستگاه بسیار خوب کارآفرینی و ایجاد نوآوری‌های مورد نیاز جامعه مدرن تبدیل کرده است. از این‌رو پرورش ایده‌های مبتنی بر کارآفرینی در

روش تحقیق

رویکرد کلی پژوهش حاضر از نوع کیفی است که با استفاده از یکی از راهبردهای اجرای پژوهش کیفی (روش داده‌بنیاد) انجام گرفته است. با مرور تاریخچهٔ تئوری گراند تئوری با سه رویکرد عمده شامل رویکرد سیستماتیک (اشتراوس و کوربین)، رویکرد نوحاسته (گلیزر) و رویکرد سازنده‌گرا (چارماز) در فرایند تحلیل اطلاعات مواجهیم که هر کدام در مورد نقش محقق و چگونگی کدگذاری مفاهیم و تحلیل اطلاعات آنها تفاوت‌هایی با هم دارند (۲۵). در این پژوهش از رویکرد نوحاسته (گلیزر) استفاده شد. بر مبنای رویکرد نوحاسته چارچوب اولیه‌ای موردنظر نبوده و کدهای محوری مستخرج از مصاحبه‌ها مقوله‌بندی شده و سپس مقوله‌های ایجادشده با یکدیگر مقایسه شدند تا مقوله‌های اصلی و ابعاد هر یک شناسایی و استخراج شود. بنابراین، همهٔ مقولات و چگونگی روابط بین آنها برآمده از تحلیل داده‌ها بود. البته، در این مرحله مراجعه به ادبیات نظری پژوهش کمک زیادی به هرچه دقیق‌تر شدن مقوله‌بندی‌ها کرد. از این رو با توجه به اینکه دربارهٔ ماهیت مسئلهٔ این پژوهش، یعنی شناسایی موانع ارتباط دانشکده‌های علوم ورزشی کشور با مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری از قبل نظریه‌ای وجود ندارد، بنابراین، این شرایط ضرورت استفاده از نظریهٔ زمینه‌محور را در این پژوهش توجیه می‌کند. بدین‌منظور، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و عمیق با خبرگان و صاحب‌نظران انجام گرفت و در ادامه، داده‌ها تحلیل شدند. جامعهٔ آماری که برای انجام مصاحبه انتخاب شد، شامل صاحب‌نظران آگاه به موضوع از جمله اعضای هیأت علمی و رؤسای دانشکده‌های علوم ورزشی کشور، معاونان پژوهشی دانشگاه‌های دارای دانشکدهٔ علوم ورزشی،

ورزش می‌تواند تأثیرات مثبتی در ایجاد اشتغال و بهبود اقتصاد منطقه داشته باشد. ارتباطی تنگاتنگی که علوم ورزشی با بیشتر علوم، از جمله علوم پزشکی، روان‌شناسی، کامپیوتر، مکانیک و مواردی از این دست دارد، سبب شده است که استقرار این رشته در مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری بیش از پیش احساس شود، زیرا علوم ورزشی علاوه بر ارائهٔ خدمات متنوع در زمینه‌های مدیریت ورزشی، فیزیولوژی ورزشی، رفتار حرکتی، آسیب‌شناسی و حرکات اصلاحی و بیومکانیک ورزشی، در هریک از زمینه‌های مذکور قادر به ارائهٔ محصول نیز است. با توجه به موارد ذکرشده باید گفت امروزه نقش مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری چه در داخل دانشگاه و چه خارج از دانشگاه به دلیل تأثیری که در توسعهٔ اقتصاد ملی، ایجاد اشتغال و ثروت دارند، بیش از گذشته پررنگ‌تر شده است. از این رو با توجه به اینکه تحقیق داخلی در خصوص شناسایی موانع ارتباط دانشکده‌های علوم ورزشی کشور با مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری مشاهده نشد و نیز با توجه به اهمیت ورود دانشجویان علوم ورزشی به این مراکز، محقق بر آن شد به شناسایی این موانع بپردازد. مسئله این است که با وجود قابلیت‌های رشتهٔ علوم ورزشی و نیز آمادگی مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری در جهت ارائهٔ خدمات، چه عاملی سبب شده است. تاکنون این مراکز پذیرای دانشجویان رشتهٔ علوم ورزشی نباشد؟ از این رو این تحقیق در پی پاسخگویی به این پرسش است که چه موانعی در ارتباط بین دانشکده‌های علوم ورزشی کشور با مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری وجود دارد؟

رؤسای مراکز رشد و مراکز کارآفرینی دانشگاه‌های دارای دانشکده علوم ورزشی، رؤسای پارک‌های علم و فناوری، صاحبان استارت‌آپ‌های ورزشی، رؤسای شرکت‌های شتاب‌دهنده کارآفرینان ورزشی، تیم‌های کاری مستقر در مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری که در پروژه‌های مرتبط با ورزش در حال فعالیت هستند یا از این مراکز خدمات دریافت کرده‌اند (صاحبان ایده) و رئیس مرکز نوآوری و فناوری‌های ورزشی پژوهشگاه تربیت بدنی بودند. برای انتخاب نمونه پژوهش از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شد. حجم نمونه در حین فرایند تحقیق مشخص شد، زیرا در پژوهش‌های کیفی اشباع شدن اطلاعات مهم‌تر از تعداد افراد مورد مطالعه است، بدین معنا که محقق جمع‌آوری اطلاعات را باید تا زمانی ادامه دهد که اطلاعاتی که از شرکت‌کنندگان جمع‌آوری می‌کند، تکراری شده و اطلاعات جدیدی به اطلاعات گردآوری‌شده قبلی اضافه نشود، به عبارت دیگر، داده‌های گردآوری‌شده به اشباع نظری برسند (۲۶). با در نظر گرفتن نکات مذکور در مجموع در این مطالعه ۱۹ مصاحبه انجام و ضبط شد. گردآوری اطلاعات ۳ ماه به طول انجامید. برای اجرای روش داده‌بنیاد و گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. هر مصاحبه به فراخور میزان تمایل مصاحبه‌شونده به موضوع ۲۰ تا ۶۰ دقیقه طول کشید. مصاحبه‌ها، با کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان به صورت کامل ضبط شده و همچنین در طول مصاحبه یادداشت‌برداری هم انجام می‌شد. به منظور تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته و با هدف افزایش دقت و درستی تجزیه و تحلیل‌ها، تمامی مصاحبه‌ها ضبط و سپس هر مصاحبه به طور جداگانه، واژه به واژه تایپ شد. پژوهشگر هر مصاحبه ضبط‌شده و یادداشت‌های مرتبط با آن را بلافاصله در ۲۴ ساعت اول با دقت و سطر به سطر مطالعه و مفاهیمی را که به ذهن می‌رسید، یادداشت می‌کرد. این مرحله از

نخستین مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها در روش داده‌بنیاد است که در اصطلاح به آن کدگذاری می‌گویند و سپس با استفاده از روش تحلیل داده‌ها که در روش داده‌بنیاد تجویز شده است، اطلاعات گردآوری‌شده تجزیه و تحلیل شد. روش تحلیل داده‌ها که در گراند تئوری تجویز شده است، شامل سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) است. در کدگذاری باز متن مصاحبه بارها و بارها، سطر به سطر خوانده شده و برای بخش‌های مهم، هر مفهومی که به ذهن می‌رسید، در نظر گرفته می‌شد. سپس بخش‌های مرتبط علامت‌گذاری می‌شد و به آنها کد و یادداشت تحلیلی، اختصاص می‌گرفت. در پژوهش حاضر و در مرحله کدگذاری باز تعداد ۱۳۶ کد استخراج شد، اما به علت تشابه معنایی و تکراری بودن اطلاعات، این کدها در یکدیگر ادغام و تجمیع شدند و در نهایت به ۸۸ کدباز کاهش یافتند. در مرحله بعد که کدگذاری محوری نامیده می‌شود، فرایند اختصاص کد به مفاهیم موجود در داده از حالت کاملاً باز خارج می‌شود و شکل‌گزیده به خود می‌گیرد. به بیان دیگر، کدگذاری باز به بروز محورهای مشترکی در مجموعه داده گردآوری‌شده منجر می‌شود که این محورها به مرحله بعدی کدگذاری جهت‌گیری‌های تازه‌ای می‌بخشد. در کدگذاری محوری، گام‌های مربوط در سطح مفهومی (کار با مفاهیم) مورد توجه قرار می‌گیرند. در این مرحله به جفت کردن کدها و یادداشت‌های تحلیلی و هم‌خانواده کردن آنها پرداخته شد و با بررسی ارتباط بین مفاهیم کدهایی که از نظر مفهومی شبیه یکدیگر بودند، در یک طبقه جای گرفتند، در این تحقیق کدهای باز به ۱۵ کد محوری تقسیم شدند. در آخرین مرحله کدگذاری به دلیل اینکه جزء اصلی تئوری به تدریج خود را نشان می‌دهد، پژوهشگر ب اساس این اجزای نوظهور، در کار کدگذاری گزیده‌تر عمل می‌کند. از این رو آخرین فصل کدگذاری را «انتخابی» می‌نامند. در این تحقیق در نهایت ۱۵ کد محوری در ۸ کد انتخابی

دسته‌بندی شدند. همچنین با ارائه بازخورد به مصاحبه‌شوندگان و قرار دادن آنها در مسیر پژوهش به طوری که بر نحوه پاسخگویی آنها تأثیر نگذارد، به منظور افزایش روایی درونی اقدام شد. در ضمن پس از هر مصاحبه، اطلاعات به دست آمده تا آن مرحله ارائه شده و در صورتی که مصاحبه‌شونده نکاتی را در مورد آنها مدنظر داشت، مورد بحث قرار می‌داد. این کار پس از انجام مصاحبه انجام می‌گرفت تا مصاحبه خالی از هرگونه پیش‌فرض و جهت‌گیری انجام گیرد. علاوه بر این، چهار فعالیت دیگر نیز به منظور افزایش روایی درونی یافته‌ها انجام گرفت که عبارت‌اند از: استفاده از منابع مختلف برای جمع‌آوری داده‌ها، بررسی داده‌ها توسط یک دستیار، مشارکت متخصص آشنا به روش پژوهش داده‌بنیاد و شناسایی جهت‌گیری‌ها از طریق پرسش سؤال‌های مکرر در حین تحلیل داده‌ها. همچنین از آنجا که مؤلفه پایایی به گستره تکرارپذیری یافته‌های پژوهش اشاره دارد و در انجام مطالعات کیفی پژوهشگر به تفسیر موضوع مورد مطالعه می‌پردازد، نیازی به ایجاد و ارائه مفهوم سنتی پایایی نیست، بنابراین در بحث پایایی پژوهش، باید نشان داد که چگونه داده‌ها گردآوری شده و کدگذاری، استخراج مفاهیم و انتخاب طبقات به چه نحوی صورت گرفته است (این توضیحات پیش از این به تفصیل بیان شده‌اند). علاوه بر این یکی دیگر از راهکارهای تعیین پایایی در پژوهش‌های کیفی انجام کدگذاری مستقل نتایج مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان به صورت تصادفی توسط فردی است که سابقه ذهنی در خصوص موضوع ندارد. در همین خصوص و به منظور سنجش کیفیت کدگذاری انجام گرفته، در این پژوهش از روش توافق بین دو کدگذار براساس ضریب کاپای کوهن استفاده شد و نتایج (ضریب کاپا (κ)):

دسته‌بندی شدند. همچنین با ارائه بازخورد به مصاحبه‌شوندگان و قرار دادن آنها در مسیر پژوهش به طوری که بر نحوه پاسخگویی آنها تأثیر نگذارد، به منظور افزایش روایی درونی اقدام شد. در ضمن پس از هر مصاحبه، اطلاعات به دست آمده تا آن مرحله ارائه شده و در صورتی که مصاحبه‌شونده نکاتی را در مورد آنها مدنظر داشت، مورد بحث قرار می‌داد. این کار پس از انجام مصاحبه انجام می‌گرفت تا مصاحبه خالی از هرگونه پیش‌فرض و جهت‌گیری انجام گیرد. علاوه بر این، چهار فعالیت دیگر نیز به منظور افزایش روایی درونی یافته‌ها انجام گرفت که عبارت‌اند از: استفاده از منابع مختلف برای جمع‌آوری داده‌ها، بررسی داده‌ها توسط یک دستیار، مشارکت متخصص آشنا به روش پژوهش داده‌بنیاد و شناسایی جهت‌گیری‌ها از طریق پرسش سؤال‌های مکرر در حین تحلیل داده‌ها. همچنین از آنجا که مؤلفه پایایی به گستره تکرارپذیری یافته‌های پژوهش اشاره دارد و در انجام مطالعات کیفی پژوهشگر به تفسیر موضوع مورد مطالعه می‌پردازد، نیازی به ایجاد و ارائه مفهوم سنتی پایایی نیست، بنابراین در بحث پایایی پژوهش، باید نشان داد که چگونه داده‌ها گردآوری شده و کدگذاری، استخراج مفاهیم و انتخاب طبقات به چه نحوی صورت گرفته است (این توضیحات پیش از این به تفصیل بیان شده‌اند). علاوه بر این یکی دیگر از راهکارهای تعیین پایایی در پژوهش‌های کیفی انجام کدگذاری مستقل نتایج مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان به صورت تصادفی توسط فردی است که سابقه ذهنی در خصوص موضوع ندارد. در همین خصوص و به منظور سنجش کیفیت کدگذاری انجام گرفته، در این پژوهش از روش توافق بین دو کدگذار براساس ضریب کاپای کوهن استفاده شد و نتایج (ضریب کاپا (κ)):

یافته‌های پژوهش

شرح و بسط موانع ارتباط دانشکده‌های علوم ورزشی با مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری در پژوهش حاضر، بر مبنای داده‌های مصاحبه و حاصل تجزیه و تحلیل ۱۹ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بوده که ابتدا استخراج مفاهیم انجام گرفت و هرچه یک عامل (طبقه به دست آمده)، کدهای بیشتری داشته، به همان اندازه سایر جنبه‌های فرعی آن نیز با وضوح بیشتری شناسایی و مشخص شده است. مقوله، زیرطبقه‌ها و کدهای (مفاهیم) به دست آمده در این پژوهش در جدول ۲ قابل مشاهده است. همچنین در جدول ۱، توزیع افراد در گروه‌های مشارکت‌کننده در مصاحبه به تفکیک قابل رؤیت است.

جدول ۱. توزیع افراد در گروه‌های مشارکت‌کننده در مصاحبه و کدهای مورد استفاده

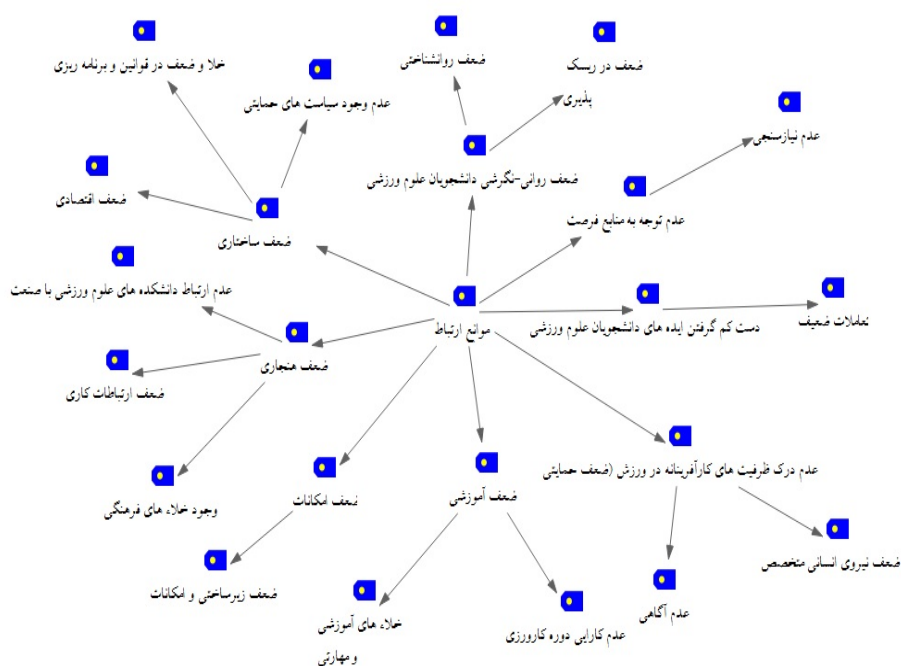
ردیف	تخصص	تعداد
۱	عضو هیأت علمی دانشکده علوم ورزشی	۳
۲	رئیس دانشکده علوم ورزشی	۳
۳	معاون پژوهشی دانشگاه‌هایی دارای رشته علوم ورزشی	۲
۴	رئیس مراکز رشد و کارآفرینی دانشگاه‌هایی دارای رشته علوم ورزشی	۳
۵	رئیس مرکز پارک علم و فناوری	۳
۶	صاحب استارت‌آپ ورزشی	۲
۷	تیم‌های کاری مستقر در مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری که در پروژه‌های مرتبط با ورزش در حال فعالیت هستند	۲
۸	رئیس مرکز نوآوری و فناوری‌های ورزشی پژوهشگاه تربیت بدنی	۱
	مجموع	۱۹

جدول ۲. مفاهیم احصا شده از مراحل کدگذاری‌ها

مفاهیم (کدگذاری باز)	مقوله‌های اصلی
<ul style="list-style-type: none"> - نبود قوانین مکتوب در سازمان مدیریت برنامه‌ریزی و وزارت علوم، تحقیقات فناوری در زمینه توسعه نوآوری در دانشکده‌های علوم ورزشی - نبود قوانین دولتی در راستای تجاری‌سازی ایده‌های ورزشی در دانشگاه‌ها - نبود بخشنامه‌های توسعه محصولات ورزشی از طریق کارآفرینی در دانشگاه‌های مادر - نبود سازوکاری در دانشگاه‌ها جهت تعریف پروژه انجام تحقیقات به‌گونه‌ای که به‌جز افراد صاحب‌ایده دیگر دانشجویان نیز تشویق به ایده‌پردازی شوند - نبود فرایندها و روش‌های کاری در جهت تبدیل ایده به محصول برای دانشکده‌های علوم ورزشی - نبود فرایندها و روش‌های کاری در جهت هدایت ایده‌های نوآورانه دانشجویان علوم ورزشی به مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری 	<p>فرعی (محوری)</p> <p>مقوله‌های اصلی</p> <p>مقوله‌های فرعی (محوری)</p>
<ul style="list-style-type: none"> - جلوگیری از واردات بی‌رویه محصولات بی‌کیفیت خارجی به بازار کشور - جلوگیری از قاچاق بی‌رویه محصولات خارجی به بازار کشور - عدم تدوین سیاست‌های حمایتی مالی و معنوی دولت از کسب‌وکارهای بخش دانشگاهی - عدم تدوین سیاست‌های حمایتی مالی و معنوی وزارت علوم، تحقیقات فناوری از کسب‌وکارهای نوپای دانشجویان دانشکده‌های علوم ورزشی ایران - عدم ارائه تسهیلات و وام‌های حمایتی از سوی دولت با سود کم و زمان بازپرداخت طولانی به نوآوران و کارآفرینان دانشکده‌های علوم ورزشی ایران - عدم ایجاد صنف حمایتی ویژه کسب‌وکارهای دانشجویان دانشکده‌های علوم ورزشی ایران 	<p>ضعف ساختاری</p> <p>عدم وجود سیاست‌های حمایتی</p>
<ul style="list-style-type: none"> - واردات زیاد محصولات ورزشی و نبود برند مشخص ایرانی - مسکوت ماندن اشتغال‌زایی و کارآفرین‌پذیری در رشته علوم ورزشی - کاهش انگیزه دانشجویان برای نوآوری به دلیل نداشتن پشتوانه مالی - نبود سیستم مالی و بودجه‌ای در دانشگاه جهت حمایت قرار دادن ایده‌های نوآورانه دانشجویان علوم ورزشی - عدم بهره‌مندی از فرصت‌های تجاری چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی 	<p>ضعف اقتصادی</p>

ضعف ارتباطات کاری	<ul style="list-style-type: none"> - عدم بهره‌مندی از وجود اقتصاددانان و بازاریابان ورزشی باتجربه و فعالان سرمایه اجتماعی در مراکز رشد دانشگاه و پارک‌های علم و فناوری - استفاده نکردن از تجربیات نوآوران و مخترعان علوم ورزشی در راستای ایده‌پروری در مراکز رشد دانشگاه، پارک‌های علم و فناوری و ایجاد شرکت‌های زایشی - عدم برقراری ارتباط میان کارآفرینان و نوآوران ورزشی با دانشجویان علوم ورزشی در دانشگاه - آشنا نبودن دانشجویان دیگر رشته‌های تحصیلی با حوزه ورزش - عدم ارتباط بین دانشگاه با جامعه و معرفی و انتقال رویدادهای اجتماعی به دانشگاه - نداشتن تفکر ارتباط بین رشته‌ها توسط مسئولان مراکز رشد دانشگاهی و پارک‌های علم و فناوری (تفکر بین‌رشته‌ای)
	<ul style="list-style-type: none"> - عدم برقراری ارتباط بین دانشگاه با صنایع ورزشی - عدم پرورش روحیه کار تیمی جهت همکاری بین دانشکده علوم ورزشی با دیگر دانشکده‌ها در راستای نوآوری - عدم اعتماد مدیران مراکز رشد دانشگاهی به ایده‌پردازی‌های دانشجویان علوم ورزشی - عدم توجه و اعتماد صنایع به کارآفرینی و نوآوری دانشکده‌های علوم ورزشی - عدم ارتباط بین شرکت‌های تولیدی ابزار و تجهیزات ورزشی با گرایش‌های علوم ورزشی مربوطه و تأمین نیازهای تحقیقاتی و به‌روز کردن خود از طریق گروه تحقیقاتی در شرکت
ضعف همکاری علوم ورزشی با صنایع	<ul style="list-style-type: none"> - عدم ترویج فرهنگ نوآوری در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم ورزشی ایران - نبود فرهنگ تحقیقات کاربردی در میان دانشجویان علوم ورزشی - عدم علاقه به کاربردی و تجاری کردن مباحث کلاس‌های درس به‌جای تأکید صرف بر تئوری بودن کلاس‌ها - عدم برگزاری جشنواره‌های ایده‌پردازی در دانشکده‌های علوم ورزشی - نبود جو تشویقی در دانشکده‌های علوم ورزشی مبنی بر ارائه ایده‌های نوآورانه توسط دانشجویان - نبود مشوق‌های کافی برای نوآوران و کارآفرینان - رواج فرهنگ پشت‌میزنشینی در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم ورزشی ایران و عدم اهمیت به کارآفرینی - رواج فرهنگ مصرف‌کنندگی صرف در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم ورزشی ایران و عدم اهمیت به کارآفرینی
	وجود خلأهای فرهنگی
ضعف امکانات و امکانات	
	ضعف آموزش خلاه‌های آموزشی

عدم کارایی دوره کارورزی	<ul style="list-style-type: none"> - کم‌اهمیت تلقی شدن دوره کارآموزی در دانشکده‌های علوم ورزشی - عدم کیفیت و استانداردهای کمی و کیفی مناسب برگزاری دوره کارآموزی در رشته علوم ورزشی - عدم استفاده از ابزار انگیزشی در دوره کارآموزی در رشته علوم ورزشی
عدم درک ظرفیت‌های کارآفرینانه در ورزش (ضعف حمایتی)	<ul style="list-style-type: none"> - نبود هسته‌های کارآفرینی در اکثر دانشکده‌های علوم ورزشی به‌منظور هدایت دانشکده به سمت مرکز رشد دانشگاه - عدم فعالیت اعضای هیأت علمی دانشکده‌های علوم ورزشی در مراکز رشد دانشگاه - نبود مشاوران حرفه‌ای در مراکز رشد برای جهت‌دهی به کارآفرینان رشته علوم ورزشی (مشاوران کسب‌وکار) - نبود متخصصان مشاور مانند مهندس برنامه‌نویسی، مهندس مکانیک و در راستای کمک به عملی ساختن برخی ایده‌های ورزشی - تأکید اساتید دانشکده‌های علوم ورزشی به مقاله‌محوری در ارتقای شغلی به جای تکیه بر کارهای عملی و نوآوری
عدم آگاهی	<ul style="list-style-type: none"> - آشنا نبودن مسئولان مراکز رشد دانشگاه‌ها با محصولات و دستاوردهای علوم ورزشی - آشنا نبودن دانشجویان رشته علوم ورزشی با مفهوم مراکز رشد، پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های زایشی - آشنا نبودن بیشتر استادان دانشکده‌های علوم ورزشی با مراکز رشد، پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های زایشی - دست‌کم گرفتن رشته علوم ورزشی توسط مسئولان مراکز رشد دانشگاه و پارک‌های علم و فناوری و به نادان به ایده‌های نوآورانه آنان
دست‌کم گرفتن ایده‌های دانشجویان علوم ورزشی (تعاملات ضعیف)	<ul style="list-style-type: none"> - نبود استراتژی مبنی بر توسعه کارآفرینی و ارتباط با مراکز رشد و پارک علم و فناوری در دانشکده‌های علوم ورزشی - عدم تشکیل جلسات مشترک با هدف تفاهم و اعتمادسازی میان مراکز رشد دانشگاه و پارک‌های علم و فناوری با مدیریت دانشکده علوم ورزشی - نبود شبکه درونی در جهت به اشتراک گذاشتن منابع بین دانشکده‌های علوم ورزشی و مراکز رشد دانشگاه و پارک‌های علم و فناوری
عدم توجه به منابع فرصت	<ul style="list-style-type: none"> - نداشتن توجه ویژه به نیازها، خواسته‌ها و تقاضاهای تأمین‌نشده بازار یا مشتریان ورزشی به‌منظور ایده‌پردازی - بی‌توجهی به مشکلات و ضعف‌های موجود در زندگی مشتریان ورزشی به‌منظور ایده‌پردازی - بی‌توجهی به سبک زندگی اقشار مختلف مردم و تشخیص نیازها و خواسته‌های اختصاصی آنان به‌منظور ایده‌پردازی - بی‌توجهی به هرم جمعیتی و نیازهای تأمین‌نشده بخش‌های مختلف آن به‌منظور ایده‌پردازی - عدم نظرسنجی مستمر از مشتریان با هدف تعیین نیازها و خواسته‌های آنان به‌منظور ایده پردازی - عدم طبقه‌بندی مشتریان و ارائه خدمات و محصولات اختصاصی به آنان براساس نیازها و خواسته‌هایشان به‌منظور ایده‌پردازی - بی‌توجهی به خلأها و کمبودهای موجود در خدمات و محصولات ارائه‌شده (برخورداری از نگاه انتقادی) - عدم تطبیق کسب‌وکار با نیازها و تقاضاهای مشتریان ورزشی به‌منظور ایده‌پردازی - عدم امکان‌سنجی دقیق نیازمندی‌های تشخیص داده‌شده مشتریان ورزشی و تلاش برای رفع آن
ضعف روان‌شناختی	<ul style="list-style-type: none"> - نبود انگیزه شخصی در بیشتر دانشجویان رشته علوم ورزشی برای ایده‌پردازی و نوآوری - ناممکن پنداشتن تبدیل ایده به عمل در دانشجویان - نداشتن باور و اعتمادبه‌نفس کافی به‌منظور اجرایی کردن ایده‌ها - ناامید بودن دانشجویان رشته علوم ورزشی از پیشرفت در رشته تحصیلی خود - برخوردار نبودن از ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه - عدم بهره‌مندی از اعتقاد فکری و قلبی به کارآفرینی - ترس بیش از اندازه از هر نوع شکست در کسب‌وکار - ترس از رقبا و نداشتن روحیه رقابت‌پذیری - ترس از حفاظت معنوی ضعیف از ایده‌های نوآورانه - مطرح نکردن ایده‌ها به‌دلیل ترس از دزدیده شدن آنها
ضعف در ریسک‌پذیری	



شکل ۱. موانع ارتباط دانشکده‌های علوم ورزشی کشور با مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق شناسایی موانع ارتباط بین دانشکده‌های علوم ورزشی با مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری بود. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل و کدگذاری داده‌ها، ۸ مقوله اصلی تحت عناوین ضعف ساختاری، ضعف هنجاری، ضعف امکانات، ضعف آموزشی، عدم درک ظرفیت‌های کارآفرینانه در ورزش (ضعف حمایتی)، دست کم گرفتن ایده‌های دانشجویان علوم ورزشی، بی‌توجهی به منابع فرصت و ضعف روانی-نگرشی دانشجویان علوم ورزشی در راستای شناسایی موانع ارتباط بین دانشکده‌های علوم ورزشی با مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری منتج شد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر و با در نظر گرفتن آنچه تاکنون در قالب پیشینه‌های تحقیق بیان شد، شاخص‌های استخراج شده با نتایج گوموسای و بوهن (۲۰۱۸) (۱۹)، هانون (۲۰۱۳) (۲۱)، وطن‌خواه و رضائی مقدم (۱۳۹۴) (۲۳) و داوودی و همکاران (۱۳۹۰) (۲۴) همسو بود. در رویکرد ضعف ساختاری سه

زیرطبقه تحت عناوین خلأ و ضعف در قوانین و برنامه‌ریزی، نبود سیاست‌های حمایتی و ضعف اقتصادی جای دارد. خلأ و ضعف در قوانین و برنامه‌ریزی به‌عنوان یکی از مقوله‌های فرعی رویکرد ضعف ساختاری حائز اهمیت است. این نتیجه با توصیه‌های آژانس تضمین کیفیت آموزش عالی انگلستان (۲۰۱۲) (۲۲) همسوست. این در حالی است که برای توسعه کارآفرینی در میان دانشجویان رشته علوم ورزشی، به قوانین مدون، سازوکارهای تشویق دانشجویان این رشته به ایده‌پردازی، فرایندها و روش‌های کاری در جهت تبدیل ایده به محصول در دانشکده‌های علوم ورزشی به‌شدت احساس می‌شود و می‌توان گفت به‌نوعی قانونگذاری جهت الزامی شدن هدایت دانشکده‌های علوم ورزشی به سمت کارآفرینی به‌شدت احساس می‌شود. همان‌گونه که دلامارکو و همکاران (۲۰۱۸) (۵) بیان می‌کنند، سخنرانی‌ها، کلاس‌های توجیهی و آموزشی برای تشویق دانشجویان به کارآفرینی مهم است. بنابراین با ارائه قوانین مکتوب به دانشکده‌های علوم ورزشی از مراجعی همچون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی یا وزارت

گوموسای و بوهن (۲۰۱۸)(۱۹) همخوانی دارد. نظر به اینکه تاکنون فرهنگ نوآوری آن‌گونه که متناسب با قابلیت‌های بسیار زیاد رشته علوم ورزشی باشد، در دانشکده‌های علوم ورزشی بنیان گذاشته نشده است و دانشجویان این رشته تحصیلی آینده شغلی خو را تنها در مربیگری، معلمی و مواردی از این دست می‌دانند، سبب جلوگیری از بارش‌های فکری و خلق ایده در دانشجویان علوم ورزشی شده است؛ و اینکه در نهایت اگر ایده‌ای توسط دانشجویی ارائه شود، به دلیل ناآگاهی از چگونگی عملی کردن آن، در حد یک ایده باقی بماند. عدم ارتباط بین دانشگاه و صنعت به‌عنوان دومین مقوله فرعی رویکرد ضعف هنجاری مطرح شد که با نتایج دلامارکو و همکاران (۲۰۱۸)(۵)، هانون (۲۰۱۳)(۲۱) و راتینو و هرنیکو (۲۰۱۰)(۷) همخوانی دارد. دلامارکو و همکاران (۲۰۱۸)(۵) بیان می‌کنند برقراری ارتباط دانشگاه با صنایع محلی از موارد ضروری به‌منظور ایجاد دانشگاه کارآفرین است. عدم ارتباط بین دانشکده‌های علوم ورزشی با مراکز رشد و پارک‌های علم فناوری سبب شده است نوآوری‌های دانشجویان این رشته یا به محصول تبدیل نشود یا طی مسیری طولانی و با مشقت‌های فراوان برای دانشجو به محصولی تبدیل شود که به تولید انبوه نرسد. هانون (۲۰۱۳)(۲۱) نبود ارتباط قوی بین دانشگاه و صنعت را از جمله موانع توسعه کارآفرینی در دانشگاه می‌داند. این نشان می‌دهد تقویت روابط بین دانشکده‌های علوم ورزشی با صنایع مربوط زمینه‌ساز هرچه بیشتر شدن کارآفرینی در میان دانشجویان این رشته می‌شود و این خود سبب اعتماد مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری به ایده‌پردازی‌های دانشجویان علوم ورزشی شده تا ضمن تعاملات بیشتر با این دانشکده امکانات خود را در اختیار دانشجویان علوم ورزشی قرار دهند و حس اعتماد به دستاوردهای ورزشی در آنها به‌وجود آید. ضعف ارتباطات کاری به‌عنوان سومین مقوله

علوم، تحقیقات و فناوری می‌توان زمینه ایجاد کلاس‌های آموزشی در راستای هدایت دانشجویان به مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری را در دانشکده‌های علوم ورزشی فراهم ساخت تا دیگران نیز به قابلیت‌های این رشته تحصیلی ارج نهند و به دانشجویان این رشته تحصیلی در خصوص نوآوری و تولید محصول اعتماد کنند. همچنین نتایج نشان داد که نبود سیاست‌های حمایتی و ضعف اقتصادی به‌عنوان دیگر مقوله‌های فرعی رویکرد ضعف ساختاری مورد توجه قرار گرفته است. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های گوموسای و بوهن (۲۰۱۸)(۱۹)، هانون (۲۰۱۳)(۲۱)، وطن‌خواه و رضائی مقدم (۱۳۹۴)(۲۳) و داوودی و همکاران (۱۳۹۰)(۲۴) همسوست. باید توجه داشت سیاست‌های حمایتی دولت از جمله مهم‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه رشد یا افول یک صنعت است. در خصوص علوم ورزشی باید گفت که وجود کالاهای ورزشی خارجی در کشور و عرضه آن در انواع مختلف سبب شده است، در سطح دانشگاه علاوه بر ناآگاهی بیشتر دانشجویان علوم ورزشی از وجود مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، دانشجویان توان رقابت با کالاهای وارداتی را در خود نبینند و به نوآوری و خلق محصول نپردازند. این در حالی است که با جلوگیری از واردات بی‌رویه محصولات ورزشی و تدوین سیاست‌های حمایت مالی و معنوی دولت از دستاوردهای دانشکده‌های علوم ورزشی می‌توان علاوه بر رونق اقتصاد کشور در زمینه تولید کالاهای ورزشی داخلی یاری‌رسان بود و برای دانشجویان این رشته تحصیلی اشتغال‌زایی کرد. در رویکرد ضعف هنجاری سه زیرطبقه با عنوان ضعف ارتباطات کاری، عدم ارتباط دانشگاه و صنعت و وجود خلأهای فرهنگی جای می‌گیرد. وجود خلأهای فرهنگی به‌عنوان یکی از مقوله‌های فرعی رویکرد ضعف هنجاری در رابطه با موانع ارتباط دانشکده‌های علوم ورزشی با مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری مورد توجه است که با نتایج

نتایج این تحقیق مؤکداً بدان اشاره می‌شود، در ابتدا ناشی از نبود آموزش‌های لازم در زمینه کارآفرینی به دانشجویان رشته علوم ورزشی است. هم‌نین دیده می‌شود که در بیشتر موارد پایان‌نامه مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در این رشته بدون توجه به نیاز و مشکل روز کشور انجام می‌گیرد و عملاً در راستای رفع نیازهای جامعه در زمینه ورزش نیست. توجه به مبحث تحقیق و توسعه (R&D) در دانشکده‌های علوم ورزشی بسیار کم‌رنگ است. بنابراین بازنگری در سرفصل‌های دروس آموزشی دانشگاه‌ها با هدف ایجاد هماهنگی میان آموزش نیروی انسانی با نیازها و تغییرات بازار کار ضروری است (۲۷). این در حالی است که اگر آموزش‌های کارآفرینی در کنار سایر اقدامات ترغیب‌کننده و تسهیل‌کننده قرار گیرند، اثربخشی چشمگیری خواهند داشت (۲۸). عدم کارایی دوره کارآموزی به‌عنوان دومین مقوله فرعی رویکرد ضعف آموزشی مطرح شد که با نتایج هانون (۲۰۱۳)(۲۱) همخوانی دارد. کارآموزی دانشجویان علوم تربیت بدنی ارتباطی با صنعت مرتبط با این رشته ندارد. در واقع اگر شاخص‌های ارزیابی دوره کارورزی دانشجویان علوم ورزشی استانداردهای معقولی به خود بگیرد، بی‌شک ارتباط صحیح و مؤثر دانشگاه و صنعت می‌تواند در مسیر مدیریت کسب‌وکارهای کارآفرینانه موجب افزایش نوآوری و انتقال دانش و تکنولوژی شود. در رویکرد عدم درک ظرفیت‌های کارآفرینانه در ورزش (ضعف حمایتی) دو زیرطبقه تحت عنوان ضعف نیروی انسانی متخصص و ناآگاهی وجود دارد. ضعف نیروی انسانی متخصص با نتایج آژانس تضمین کیفیت آموزش عالی انگلستان (۲۰۱۲)(۲۲)، وطن‌خواه و رضائی مقدم (۱۳۹۴)(۲۳) و داوودی و همکاران (۱۳۹۰)(۲۴) همخوانی دارد. مؤلفه ضعف نیروی انسانی متخصص نیز به حضور هسته‌های کارآفرینی در دانشکده‌های علوم ورزشی اشاره دارد؛ عدم حضور و فعالیت

فرعی رویکرد ضعف هنجاری مطرح شد که با نتایج گوموسای و بوهن (۲۰۱۸)(۱۹)، هانون (۲۰۱۳)(۲۱) و آژانس تضمین کیفیت آموزش عالی انگلستان (۲۲) همخوانی دارد. همان‌گونه که آژانس تضمین کیفیت آموزش عالی انگلستان (۲۲) بیان می‌دارد، استخدام کارآفرینان برتر به‌منظور هدایت مراکز رشد دانشگاه سبب رونق آن می‌شود. از این رو می‌توان در مراکز رشد دانشگاه با استقرار کارآفرینان موفق در عرصه ورزش یا بازاریابان و اقتصاددانان ورزشی زمینه‌های مورد توجه به‌منظور ایده‌پردازی را شناسایی و با انتقال آن به دانشجویان علوم ورزشی، به آنها در بارش فکری و ایده‌پردازی کمک کرد. ضعف زیرساختی و امکانات به‌عنوان مقوله فرعی ضعف امکانات از جمله موانع مهم در ارتباط بین دانشکده‌های علوم ورزشی با مراکز رشد و پارک‌های علم فناوری است که با دلامارکو و همکاران (۲۰۱۸)(۵) و داوودی و همکاران (۱۳۹۰)(۲۴) همخوانی دارد. تا زمانی که دانشجویان با محیط و امکاناتی که بتوانند با آزمون و خطا ایده‌های خود را به محصول تبدیل کنند، ارتباطی نداشته باشند، ایده‌پردازی و خلق محصولات نوآورانه غیرممکن خواهد بود. چنانچه از مصاحبه‌های این تحقیق به‌دست آمد، نوآوران عرصه ورزش در دانشگاه، مجبورند که برای تهیه ابزار و تجهیزات مورد نیاز خود به‌منظور خلق محصول از ایده‌شان، خود اقدام کنند و سختی‌ها و هزینه‌های زیادی را متحمل شوند. اگرچه مرکز نوآوری و فناوری‌های ورزشی پژوهشگاه تربیت بدنی حمایت خود از ایده‌های برتر در زمینه ورزش را آغاز کرده است، کافی نیست. دیگر نتایج مصاحبه‌ها نشان داد، در رویکرد ضعف آموزشی دو زیرطبقه تحت عنوان خلأهای آموزشی و مهارتی و عدم کارایی دوره کارآموزی قرار دارد. خلأهای آموزشی و مهارتی به‌عنوان یکی از مقوله‌های فرعی در رویکرد ضعف آموزشی موردنظر است که با یافته‌های هانون (۲۰۱۳)(۲۱) همخوانی دارد. خلأ آموزشی که طی

دانشجویان علوم ورزشی می‌توانند ایده‌هایشان را به کمک دیگر متخصصان علوم فنی و انسانی به محصول تبدیل کنند. این باور زمانی می‌تواند در مسئولان مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری به‌وجود آید و با محصولات این رشته آشنا شوند که دانشکده‌های علوم ورزشی از درون ساختار لازم جهت تحقق این امر را فراهم آوردند؛ از طریق تعریف راهبردهایی مبتنی بر توسعه کارآفرینی در دانشکده، برقراری جلسات مشترک با مسئولان مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری و برقراری ارتباط بین دانشجویان علوم ورزشی با نوآوران دیگر رشته‌های تحصیلی در دانشگاه. طبق دیگر نتایج مصاحبه در رویکرد بی‌توجهی به منابع فرصت یک زیرطبقه تحت عنوان عدم نیازسنجی وجود دارد؛ با نتایج دل‌مارکو و همکاران (۲۰۱۸) (۵) و وطن‌خواه و رضائی مقدم (۱۳۹۴) (۲۳) هم‌خوان است. نیازسنجی بازار، اطلاعات بازار را متمرکز می‌کند و سازمان می‌دهد و به کارآفرینان اجازه می‌دهد به موارد بیان شده دست یابند. از این رو نوآوران به‌منظور موفقیت در مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری و ایده‌پردازی به نیازسنجی احتیاج دارند. شرایط محیطی، نیاز ورزشی جامعه و مشتریان تأثیر بسزایی بر موفقیت کسب‌وکارهای دانش‌بنیان بر جای می‌گذارد. علوم ورزشی در این زمینه قدرت مانور زیادی دارد؛ در کودکان، جوانان، سالخوردگان، معلولان، ورزشکاران و دیگر افرادی که با ورزش و محصولات آن سروکار دارند، می‌توان نیازسنجی جامعی انجام داد و طبق آن دست به ایده‌پردازی و خلق محصول زد. در انتها نتایج نشان داد در رویکرد ضعف روانی-نگرشی دانشجویان علوم ورزشی نیز دو زیرطبقه (طبقه فرعی) تحت عنوان ضعف روان‌شناختی و ضعف در ریسک‌پذیری وجود دارد که با نتایج گوموسای و بوهن (۲۰۱۸) (۱۹)، مک‌آدام و مک‌آدام (۲۰۰۸) (۲۹)، وطن‌خواه و رضائی مقدم (۱۳۹۴) (۲۳) و داوودی و همکاران (۱۳۹۰) (۲۴) هم‌خوانی دارد. شاید بتوان گفت مؤلفه

استادان این حوزه در مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری سبب شده است دانشجویان علوم ورزشی نیز به سمت نوآوری و خلاقیت هدایت نشوند. در اولین گام با استقرار مرکز رشد و کارآفرینی در دانشکده می‌توان فضای مطلوب را ایجاد کرد و در مرحله دوم تغییر در رویه آموزشی اعضای هیأت علمی دانشکده علوم ورزشی است، اینکه استادان به‌جای مقاله‌محوری به‌سوی فناوری و خلق محصولات روی آورند و در کلاس‌های درس زمانی را برای به‌چالش کشیدن ذهن دانشجویان خود در راستای ایده‌پردازی برای درس مربوطه اختصاص دهند. اگر زمینه ورود دانشجویان علوم ورزشی به مراکز رشد فراهم شود، می‌توان با برگزاری جلسات هم‌اندیشی بین دانشجویان این رشته تحصیلی با دیگر رشته‌های تحصیلی همچون کامپیوتر، مکانیک و دیگر رشته‌های مرتبط زمینه‌ساز ایده‌پردازی‌های بیشتری در بخش ورزش باشیم. ناآگاهی به‌عنوان دومین مقوله فرعی رویکرد عدم درک ظرفیت‌های کارآفرینانه در ورزش (ضعف حمایتی) مطرح است که با نتایج دل‌مارکو و همکاران (۲۰۱۸) (۵) هم‌خوانی دارد. ناآگاهی مسئولان مراکز رشد دانشگاه مانعی بر سر راه ورود علوم ورزشی به این مراکز است. بنابراین معرفی این رشته، قابلیت‌ها و دستاوردهای آن وظیفه‌ای است بر دوش دانشکده‌های علوم ورزشی. در رویکرد دست‌کم گرفتن ایده‌های دانشجویان علوم ورزشی یک زیرطبقه تحت عنوان تعاملات ضعیف میان دانشکده‌های علوم ورزشی با مراکز رشد و پارک علم و فناوری وجود دارد که با نتایج مک‌آدام و مک‌آدام (۲۰۰۸) (۲۹) هم‌خوانی دارد. باید گفت پیرو ناآگاهی مسئولان مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری از دستاوردهای علوم ورزشی، اغلب آنان این رشته تحصیلی را دست‌کم می‌گیرند و به ایده‌های نوآورانه آنان بها نمی‌دهند. علوم ورزشی یک علم بین‌رشته‌ای است که می‌تواند هم با علوم انسانی و هم با علوم فنی ارتباط تنگاتنگی داشته باشد.

می‌توان در دانشکده‌های علوم ورزشی جشنواره‌های ایده‌پردازی برگزار و به ایده‌های برتر جوایزی اعطا کرد. دانشجویان باید بدون هیچ‌گونه ترس از ساده بودن ایده و بدون خجالت از ابراز ایده‌های ساده‌انگارانه خود به ابراز آن بپردازند. دانشکده‌های علوم ورزشی می‌توانند با تولیدکنندگان محصولات ورزشی داخلی ارتباط مؤثر، به‌منظور بهبود کیفیت تولیدات ورزشی یا تولید محصول جدید با استفاده از نوآوری‌های دانشجویان علوم ورزشی برقرار کنند و در صورت مورد قبول بودن ایده دانشجویان و تولید ایده در مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، با تولیدکنندگان قرارداد مبتنی بر همکاری امضا کنند.

روان‌شناختی مهم‌ترین و اثرگذارترین گام در خلق نوآوری توسط افراد باشد. همان‌گونه که کلاسن و همکاران (۲۰۱۰) بیان می‌کنند، کمبود عزت نفس و استرس بیانگر شخصیت فردی است که ترس از شکست دارد (۳۰). ترس و بی‌انگیزه بودن با روح نوآوری و کارآفرینی متضاد است و قدرت ریسک‌پذیری را در فرد کاهش می‌دهد. داشتن انگیزه و اراده راسخ مهم‌ترین ویژگی در یک فرد کارآفرین است که سبب می‌شود موانعی را که بر سر راه موجود است، هموار کند. به‌نظر می‌رسد روح نوآوری در دانشجویان علوم ورزشی، به‌سبب به‌دادن مسئولان دانشگاه و عدم اعتماد به دانشجویان این رشته در زمینه نوآوری، از بین رفته و سبب شده است که دانشجویان این رشته به‌سبب ناممکن پنداشتن تبدیل ایده به عمل حتی به ایده‌پردازی هم نپردازند یا توانایی رقابت با رقبای خود را در خود نبینند. عدم حمایت دانشگاه و دانشکده‌های علوم ورزشی سبب شده است دانشجویانی که ایده‌ای در ذهن دارند، از ترس افشا و سرقت علمی آن را مطرح نکنند، زیرا کسی که حامی ایده آنان باشد و به آنها کمک کند تا ایده را به محصول تبدیل کند، در محیط دانشگاهی خود ندارد. وطن‌خواه و رضائی مقدم (۱۳۹۴) (۲۳) بیان می‌کنند بی‌توجهی به عامل روانی در توسعه کارآفرینی در دانشگاه سبب ایجاد موانع و مشکلات در توسعه دانشگاه کارآفرین خواهد شد. از این‌رو برای ایجاد این باور شناختی در دانشجویان علوم ورزشی نیازمند وجود استادان و مشاورانی در دانشکده‌های علوم ورزشی هستیم که این خلأ را پر کنند و اولین گام برای ایده‌پردازی یعنی ایجاد باور در دانشجویان علوم ورزشی را، بردارند. در ادامه محققان چندین پیشنهاد کاربردی مبنی بر رفع موانع ارتباط بین دانشکده‌های علوم ورزشی با مراکز رشد و پارک‌ها علم و فناوری ارائه شده است. ادامه روند جلوگیری از ورود کالاهای ورزشی به داخل کشور می‌تواند به امیدوار شدن کارآفرینان ورزشی داخل کشور کمک کند.

منابع و مآخذ

1. Guerrero M, Cunningham JA, Urbano D. Economic impact of entrepreneurial universities' activities: An exploratory study of the United Kingdom. *Research Policy*. 2015;44(3):748-64.
2. Wong PK, Singh A. Do co-publications with industry lead to higher levels of university technology commercialization activity? *Scientometrics*. 2013;97(2):245-65.
3. Bruneel J, d'Este P, Salter A. Investigating the factors that diminish the barriers to university–industry collaboration. *Research policy*. 2010;39(7):858-68.
4. Habibi Rezaei M, Siyah Mansoori Y. The realization of third-generation universities through the development of university development centers. *Journal of Science*. 2012;3(1).
5. Dalmarco G, Hulsink W, Blois GV. Creating entrepreneurial universities in an emerging economy: Evidence from Brazil. *Technological Forecasting and Social Change*. 2018;135:99-111.
6. Sperrer M, Müller C, Soos J. The concept of the entrepreneurial university applied to universities of technology in Austria: already reality or a vision of the future? *Technology Innovation Management Review*. 2016;6(10):37-44.
7. Ratinho T, Henriques E. The role of science parks and business incubators in converging countries: Evidence from Portugal. *Technovation*. 2010;30(4):278-90.
8. Theodorakopoulos N, K. Kakabadse N, McGowan C. What matters in business incubation? A literature review and a suggestion for situated theorising. *Journal of Small Business and Enterprise Development*. 2014;21(4):602-22.
9. McAdam M, Marlow S. A preliminary investigation into networking activities within the university incubator. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*. 2008;14(4):219-41.
10. Lockett A, Wright M, Franklin S. Technology transfer and universities' spin-out strategies. *Small Business Economics*. 2003;20(2):185-200.
11. Zou Y, Zhao W. Anatomy of Tsinghua University Science Park in China: institutional evolution and assessment. *The Journal of Technology Transfer*. 2014;39(5):663-74.
12. Henriques IC, Sobreiro VA, Kimura H. Science and technology park: Future challenges. *Technology in Society*. 2018;53:144-60.
13. Albahari A, Barge-Gil A, Pérez-Canto S, Modrego A. The influence of Science and Technology Park characteristics on firms' innovation results. *Papers in Regional Science*. 2018;97(2):253-79.
14. Phan PH, Siegel DS, Wright M. Science parks and incubators: observations, synthesis and future research. *Journal of business venturing*. 2005;20(2):165-82.
15. Enayati T, Alipour A. Proposing Model of Growth Centers of Academic Humanities to Move to Generation IV Universities. *Development and Technology*. 2014;10(39):20-8.
16. Shazi R, Marefati s. Explaining the specialized model of physical education and sports science incubators, with emphasis on the development of entrepreneurship in sport. Iran: Mashhad; 2006.

17. Boroumand M, Fazli Darzi A, Azimi Dostostagi A. Studying the Viewpoints of Physical Education and Sport Sciences Students on the Future of Occupation. *Research in Academic Sport*. 2013;5:31-48.
18. Seyedi SA. Explaining the characteristics of Entrepreneurial University. *iran*2018.
19. Gümüşay AA, Bohné TM. Individual and organizational inhibitors to the development of entrepreneurial competencies in universities. *Research Policy*. 2018;47(2):363-78.
20. Sidrat S, Frikha MA. Impact of the qualities of the manager and type of university on the development of the entrepreneurial university. *The Journal of High Technology Management Research*. 2018;29(1):27-34.
21. Hannon PD. Why is the entrepreneurial university important? *Journal of innovation management*. 2013;1(2):10-7.
22. Agency QA. Enterprise and entrepreneurship education: Guidance for UK higher education providers. Quality Assurance Agency for Higher Education Gloucester; 2012.
23. Vatankhah N, Rezaei Moghadam C. Components and Barriers to Establishing an Entrepreneurial School from the Perspectives of Student Member and Non-Student Student Cooperative Faculty of Agriculture. *Cooperatives and Agriculture*. 2015;4(15):17-40.
24. Davoudi H, Sha'ban Ali Qomi H, Kalantari K. Study on the Barriers to the Development of Agricultural Technology in Science and Technology Parks of Tehran University. *Journal of Science and Technology Policy*. 2011;4(2):1-10.
25. Azimi Dostashagi A. Designing Strategic Entrepreneurship Model in Sports Business: North University; 2014.
26. Strauss A, Corbin J. Basics of qualitative research: Sage publications; 1990.
27. Jannati Far h, Amade a, Babolsar.2012. Technology parks and growth centers: objective sample of entrepreneurial university,. National Conference on Entrepreneurship and Business Knowledge Management; Babolsar2012.
28. Talebi K, Zare Yekta M. University Entrepreneurship Education and its Role in Creating and Developing Small and Medium-Sized Enterprises (SMEs) Knowledge-Based. *Entrepreneurship Development*. 2008;1:111-31.
29. McAdam M, McAdam R. High tech start-ups in University Science Park incubators: The relationship between the start-up's lifecycle progression and use of the incubator's resources. *Technovation*. 2008;28(5):277-90.
30. Klassen RM, Ang RP, Chong WH, Krawchuk LL, Huan VS, Wong IY, et al. Academic procrastination in two settings: Motivation correlates, behavioral patterns, and negative impact of procrastination in Canada and Singapore. *Applied Psychology*. 2010;59(3):361-79.

Identifying Barriers of communication Between Faculty of Sport Sciences with Incubator Centers and Science & Technology Parks in Iran

Samaneh Almasi¹ - Hossein Eidi^{*2} - Homayoun Abbasi³

1. PhD student of sports management, Razi University 2,3. Assistant Professor of Sport Management, Razi University

(Received: 2018/12/; Accepted: 2019/4/18)

Abstract

Today, the movement of education-based universities towards entrepreneurial universities, with the idea of turning theory into practice and commercialization of knowledge, has led to the establishment of Incubator centers and science and technology parks. The aim of this research was to identify barriers to the relationship between the Faculty of physical education and sports of the country with growth centers and science and technology parks. The method of this research was qualitative in terms of data collection and the data were collected through interview and research background, Research community included head of the Faculty and faculty members of the School of Physical Education and Sport Sciences in Iran, Heads of Incubator and entrepreneurship centers at universities that have Faculty of Physical Education college, and other relevant authorities to investigate. Data analysis was conducted through three coding levels of open axial, and selective. The findings showed that the 8 main categories under the heading of structural weakness, normative weakness, weakness of facilities, educational weakness, lack of understanding of entrepreneurial capacities in underestimation of students of sports science, lack of attention to resources of opportunity and weakness Psychosocial attitude of students of sport sciences were identified as barriers to the relationship between science and sports college with The Incubation Centers and science and technology parks. That each of which is subdivided into other subsets. Therefore, it is suggested to the heads of universities and colleges of sport sciences to study these obstacles and plan a strategic plan to solve them in order to witness the flourishing of the ideas and innovations of the students of the field of science Sports and create employment for them, and we can use countless possibilities of this field to meet the needs of the community.

Keywords

Incubators Centers, Science and Technology Parks, The Schools of Sport Sciences.

* Corresponding Author: Email: eydihosseini@gmail.com; Tel: +989119297253